**١٢٧ - تبعید از ادرنه برای عکا و شدائد در سفر دریا و سجن عکا**

از حضرت بهاءالله در لوح خطاب بصدر اعظم دولت عثمانی است قوله الاعلی بزعم تو این محیی عالم و مصلح آن مفسد و مقصر بوده جمعی از نسوان و اطفال صغیر و مرضعات چه تقصیر نموده اند ... جمعی که ابداً در ممالک شما مخالفتی ننموده اند ...چنین نفوسی را تاراج نموده اید و آنچه داشتند بظلم از دست رفت بعد که امر بخروج اینغلام شد بجزع آمدند و نفوسی که مباشر نفسی اینغلام بودند مذکور داشتند که باین نفوس حرفی نیست و حرجی نه و دولت ایشانرا نفی ننمود اگر خود بخواهند با شما بیایند کسیرا با ایشان سخنی نه این این فقراء خود مصارف نمودند و متوکلین علی الله مرة اخری با حق هجرت کردند تا آنکه مقر حبس بها حصن عکا شد و بعد از ورود ضباط عسکریه کل را احاطه نموده اناثا و ذکورا صغیرا و کبیرا جمیع را در قشله نظام منزل دادند شب اول جمیع از اکل و شرب ممنوع شدند چه که باب قشله را ضباط عسکریه اخذ نموده و کل را منع نمودند از خروج و کسی بفکر این فقراء نیفتاد و حتی آب طلبیدند احدی اجابت ننمود چندیست که میگذرد و کل در قشله محبوس و حال آنکه پنج سنه در ادرنه ساکن بودیم جمیع اهل بلد از عالم و جاهل و غنی و فقیر شهادت دادند بر تقدیس و تنزیه اینعباد در حین خروج غلام از ادرنه یکی از احبای الهی بدست خود خود را فدا نمود نتوانست اینمظلوم را در دست ظالمان مشاهده نماید و سه مرتبه در عرض راه سفینه را تجدید نمودند معلوم است بر جمعی از اطفال از حمل ایشان از سفینه بسفینه چه مقدار مشقت وارد شد و بعد از خروج از سفینه چهار نفر از احبا را تفریق نمودند و منع نمودند از همراهی و بعد از خروج غلام یکی از آنچهار نفر که موسوم بعبد الغفار بود خود را در بحر انداخت و معلوم نیست که حال او چه شد این رشحی از بحر ظلم وارده است که ذکر شد معذلک اکتفا ننموده اید هر یوم مامورین حکمی اجرا میدارند و هنوز منتهی نشده در کل لیالی و ایام در مکر جدید مشغول اند و از خزانه دولت در هر شبانه روز سه رغیف نان باسراء میدهند و احدی قادر بر اکل آن نه .

و در لوحی دیگر قوله الاعز بسم الله اقدس الاعلی قد غدر شیاطین البیان فی امر ربهم الرحمن و احتالوا الی ان اشتعلت نارا الافتنان وارادوا بذلک اطفاء نور الله فی مملکته و اخماد نار الله بین بریته و قد رجع مکرهم علیهم اول مرة و قد وجدوا انفسهم من الخاسرین و ذلک هو الخسران المبین .

و در لوح رئیس قوله الاعلی اعلم یا عبدانا اصبحنا ذات یوم وجدنا احباء الله بین ایدی المعاندین اخذ النظام کل الابواب و منعوا العباد عن الدخول و الخروج و کانوا من الظالمین و ترک احباء الله و اله من غیر قوت فی اللیله الاولی کذلک قضی علی الذین خلقت الدنیا و ما فیها لانفسهم اف لهم للذین امروهم بالسوء سوف یحرق الله اکبادهم انه اشد المنتقمین و زحف الناس حول البیت و بکی علینا الاسلام و النصاری و ارتفع نحیب لابکاء بین الارض و السماء بما ارتکبت ایدی الظالمین انا وجدنا ملاء الابن اشد بکاء من ملل اخری و فی ذلک لآیات للمتفکرین و فدی احد من الاحباء بنفسه و قطع حنجره بیده حبا لله .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی فاعلم قد اخرجونا المشرکون من ارض السر و فدی احد نفسه فی سبیلی بحیث قطع حنجره بیده و اذا استوی بحر الاعظم علی الفلک نبذ احد نفسه فی الیم خوفا لفراقی ور فدی المنیر روحه حین الذی کان مکبا علی رجلی الی ان ادخلونا اخرب البلاد فی هذا السجن البعید .

و قوله الکاشف للرموز و الاسرار بسم الله الاقدس العلی الاعلی فاعلموا یا اهل البیان بان الشیطان ( سید محمد اصفهانی ) اتحد مع شیطان العجم و غدروا فی امر ربهم الرحمن و کتبوا رسائلا باسم احد من احبائی و فیها کتبوا ما ارادوا فیما یضطرب منه الملل و الدول ثم احتالوا الی ان بلغت الرسائل الی الامرو اشتغلت نار الفتنة و البلاء و هاجت اریاح السطوة و القضاء و اخذوا الشیطان و الذین معه من قبلنا و بعد ابتلائه کتب الی شیطان العجم انی کنت معک فاحفظنی من هذه الفتنة الدهماء انه قال لا مهرب لک انی بریئی منک اذا ظهرت شمس کلمة التی اشرقت عن افق فم محمد رسول الله قال و قوله الحق اذ قال الشیطان للانسان اکفر فلما کفر قال انی بریئی منک .

و قوله الاعلی اذا ادخلونا هذا المقام اشتد علینا الامر علی شأن لا یذکر بالبیان ان ربک لهو العلیم الخبیر فی کل یوم بزداد البلاء فی یوم یمنعون الناس من الحضور فی هذا المنظر الکریم و فی یوم یناذعون مع احباء الله و یمنعونهم بالظلم عن التوجه الی حوائجهم الا انهم من اصحاب الجحیم و فی یوم یقولون انتم ترسلون الواح و فی یوم یتمسکون بامر اخر الا انهم من الذین ظلموا فی الاعصار ...و اذکروا اذ دخل نبیل مع اخویه مقبلا الی رب العالمین اخذوا لدی الباب بما اوحی الدجال (سید محمد اصفهانی ) فی صدور الظالمین لما دخلوا مقر الحکم قبل نجد منکم نفحة الرضوان و من وجوهکم نضرة الرحمن لیس لکم مقر عندنا ان اخرجوا فی الحین قال اما سمعتم اکرموا الضیف فبهت الذی ظلم قال اخرجوه عن المدینة کذلک امرنا من رئیس الفاسقین ورد علی النبیل قبل علی (آقا محمد علی قائینی ) و من معه کما ورد علیه ان ربک لهو العلیم البصیر .

و قوله الاعلی ان الشیطان (سید محمد اصفهانی ) قعد علی المراصد (مراقب دروازه عکا ) اذ دخل احد قاصد ا مقر المقصود (سجن عکا) یخبر باب الحکومة فاسأل الله بان یبعث من یکفی شره انه علی کل شیئی خبیر .

و قوله الاعلی قد مضت ثلاثة اشهر متوالیات و ما دخلنا الحمام کذلک ورد علی الغلام من الذین کفروا بنعمة الله بعد انزالها .

و قوله الاعلی در بعضی از لیالی و ایام اسرای عالم و مظلومهای امم بی قوت شب را بروز آورده اند و روز را بشب .

و قوله الاعلی طوبی لک بما فزت و زرت ربک الرحمن اذ اشرق من افق السجن بسلطان مبین و دخلت باب الذی من اراده اخذ بالظلم بما اوحی الشیطان فی صدور الغافلین و قد طمسنا اعین الذین ارادوا لمنع و ادخلناکم بقوة من لدنا ان ربک لهو المقتدر القدیر .